

شہید مدافع حرم عید محمد رضایی



سامانه جامع سرداران و دو هزار شهید استان بوشهر

	نام پدر
	تاریخ تولد
—	محل تولد
	تاریخ شهادت
	محل شهادت
	مسئولیت
	نوع عضویت
	شغل
	تحصیلات
	مدفن

مصاحبه

برادر شهید «عید محمد رضایی»

از چه زمانی تب و تاب رفتن داشت؟

از پارسال به مادرم مرتب می‌گفت می‌خوام به سوریه بروم. سال گذشته برای کار به کاشان رفت و تقریباً ۲۰ روز آنجا کار کرد. بعد از ۲۰ روز زنگ زد به مادرم که من کارهای اعزام را به سوریه انجام دادم و می‌خواهم به سوریه بروم. او با تعدادی از همشهریانم که در شیراز بودند از این شهر به سوریه رفت و حتی پیش از رفتن به خانه هم نیامد. البته پارسال هم یک بار به سوریه رفته بود و برگشت اما دوباره تصمیم به رفتن گرفت. از کجا خبر شهادتش را متوجه شدید؟

بار آخری که رفت حدود ۱۵ روز شد که تماسش با ما قطع شد. بعد از مدتی یکی از دوستان همزمانش در سوریه به پسر خواهرم پیام داد که عید محمد شهید شده و از این طریق خبر شهادتش به خانواده اطلاع داده شد. البته برای اطمینان پیگیری‌هایی در مشهد داشتیم اما به ما اعلام می‌کردند نام چنین شهیدی پیش ما ثبت نشده. روز بعد مجدداً پیگیری کردیم تا اینکه خبر شهادتش را رسماً به ما اعلام کردند. چند سالی بود؟

۱۸ سالش بود و به دلیل سن کمی که داشت به او اجازه نمی‌دادند که برای رفتن به جبهه نبرد در سوریه ثبت نام کند اما به دلیل اشتیاقی که برای رفتن و دفاع از حرم اهل بیت(ع) داشت سن خود را ۲۵ سال اعلام کرد تا اجازه اعزام را بگیرد.

اطلاع دارید در کدام منطقه سوریه به شهادت رسید؟

خیر هیچ اطلاع نداریم.

فکر می‌کردید روزی برادرتان شهید شود؟

اصلاً تصورش را هم نمی‌کردیم و بعد از شنیدن خبر شهادتش هم نمی‌توانستیم باور کنیم. بعد یک هفته که با سپاه و بسیج ارتباط گرفتیم مطمئن شدیم.

آیا وصیت نامه‌ای هم از خود بجای گذاشته بود؟

خیر هیچ وصیتی پیش ما نگذاشته بود فقط احتمال می‌دهیم که وصیت نامه خود را در سوریه نوشته و به همزمانش تحویل داده باشد. قرار است یکی از همزمانش که از سوریه برگشته مجدداً به سوریه بازگردد و به دنبال وصیت نامه برادرش باشد چرا که معمولاً رزمندگان وصیت نامه‌ای را می‌نویسند.

در مدتی که در سوریه بود آیا با هم در ارتباط بودید؟

فقط با مادرم صحبت می‌کرد و می‌گفت که در سوریه نگرهبان یکی از مدارس است. در آخرین تماسش هم به مادرم گفت که می‌خواهم به مناطق عملیات جنگی بروم و آنجا تلفن آنتن نمی‌دهد که تماس بگیرم و هر موقع که برگشتم زنگ می‌زنم. بعد این تماس حدود ۱۵ روز ارتباطش با ما قطع شد تا اینکه فهمیدیم به شهادت رسیده است.

سخن پایانی خود را بفرمایید

امروزه دفاع از اسلام و حریم اهل بیت(ع) بر هر کسی واجب است. برادرش این راه را انتخاب کرد تا نگذارد عده‌ای تکفیری به نام اسلام غیر واقعی چهره اسلام حقیقی را در جهان زشت جلوه دهند.



سامانہ جامع سرداران و دوحہ ششمیہ استان بوٹھر